

پروانه‌های رسته از پيله

نگاهی به روند توسعه در جهان

رضا معز - هاره گنجی



انتشارات پرکاس - ۱۳۹۳

سرشناسه	چیدار، سید، ۱۳۶۶ -
عنوان و نام پدیدآور	پروژه‌های رسته‌های پایه اقتصادی به روند توسعه در جهان / رضا مجیدزاده، بهاره گنجی.
مشخصات نشر	تهران: انتشارات بهار، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری	۲۷۲ ص: مصور، جدول.
شابک	978-600-94100-6-4
وضعیت فهرست نویسی	فیا
یادداشت	کتابنامه
موضوع	رشد اقتصادی - ایران
موضوع	رشد اقتصادی - مطالعات تطبیقی
موضوع	اقتصاد - ایران
موضوع	اقتصاد نهادی
شناسه افزوده	گنجی، بهاره، ۱۳۶۶ -
رده بندی کنگره	۱۳۹۲ م ۳ پ HC۴۷۳/۴
رده بندی دیویی	۳۴۰/۹۵۵
شماره کتابشناسی ملی	۲۳۴۷۹۹۶

پروانه‌های رسته از سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۰ به روند توسعه در جهان

نویسندگان: رضا مجیدزاده - بهره گنجی

شایک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۴۱۰-۶-۴

چاپ: اطلس

چاپ اول: بهار ۱۳۹۳

قیمت: ۱۳۰۰۰۰ ریال

شمارگان: ۵۰۰ جلد

www.ketab-2.ir

انتشارات برکاس

تلفن: ۴۴۶۹۰۷۶۱

تهران - صندوق پستی ۱۳۹۱۵-۱۱۶

فهرست مطالب

ردیف	عنوان	صفحه
۷	مبانی نهادی تخصیص منابع	
۱۳	انضباط نهادی	
۲۰	هزینه مبادله	
۲۳	حقوق مالکیت	
۳۱	مبانی نظری تخصیص منابع در اقتصاد مرسوم	
۳۷	کاستی‌های نظری مرسوم در بازار سرمایه	
۴۳	رهیافت نهادی تبیین تخصیص سرمایه	
۴۷	نهادها، مبادله و تدبیر شیوه مبادله	
	فصل دوم	
	تحلیل نهادی توسعه	
۵۱	تئوری توسعه	
۶۱	مکاتب توسعه	
۶۱	مکتب نوسازی	
۶۱	مکتب وابستگی	
۶۱	مکتب نظام جهانی	
۶۱	مکتب نهادگرایی	
۷۳	نهادها و توسعه	
	مدل SFM-MSD	

فصل سوم

مطالعه تطبیقی تجربه توسعه کشورهای منتخب

کشورهای توسعه یافته صنعتی	
۷۹	ایالات متحده آمریکا
۸۸	آلمان
۹۳	انگلستان
۹۸	ژاپن
۱۰۳	سوئد
کشورهای تازه صنعتی شده آسیای جنوب شرقی	
۱۰۵	کره جنوبی
۱۱۱	چین
۱۱۹	مالزی
۱۲۵	تایوان
۱۳۲	جمع‌بندی کشورهای تازه صنعتی شده آسیای جنوب شرقی
کشورهای در حال توسعه غرب آسیا	
۱۳۳	امارات متحده عربی
۱۳۷	قطر
۱۳۹	کویت
۱۴۳	عربستان
۱۴۷	جمع‌بندی کشورهای در حال توسعه غرب آسیا
کشورهای در حال توسعه آمریکای لاتین	
۱۴۸	آرژانتین
۱۵۱	برزیل

۱۵۵	پرو
۱۵۸	شیلی
۱۶۱	جمع‌بندی تجربه کشورهای امریکای لاتین
	کشورهای پساکمونیستی اروپای شرقی
۱۶۳	یه
۱۶۷	چک
۱۶۹	مجارستان
۱۷۲	لهستان
۱۷۴	جمع‌بندی کشورهای پساکمونیستی اروپای شرقی
	کشورهای رو به توسعه افریقا
۱۷۵	الجزایر
۱۷۸	تونس
۱۸۲	لیبی
۱۸۵	مصر
۱۸۸	جمع‌بندی کشورهای رو به توسعه افریقا

فصل چهارم

مقایسه تطبیقی روند توسعه کشورها

۱۹۱	تحلیل SFM-MSD تجربه توسعه کشورهای منتخب
۲۰۰	مکانیزم‌های معطوف به پیشرفت علمی و فنی

فصل پنجم

مشخصه‌های نهادهای سیستم اقتصادی ایران

۲۰۷	ساختار نهادهای اقتصاد ایران
-----	-----------------------------

۲۰۸	وابستگی به مسیر تاریخی
۲۲۶	ساختار قدرت چانه‌زنی لایه طراحی نهادی
۲۲۸	ساختار نهادی ایران و بردار حالت حقوق مالکیت
۲۳۷	تخلیل آینده توسعه فناوری و علمی ایران

فصل نهم

درآمدی بر طراحی مکانیزم توسعه

۲۴۹	طراحی سیستم سازگار با مفهوم سیستم مینمال
۲۵۳	طراحی مکانیزم سازگار با مفهوم سیستم مینمال
۲۵۹	طراحی مکانیزم سازگار با مفهوم سیستم مینمال
۲۶۷	جمع‌بندی
۲۶۹	فهرست منابع

پیش از انقلاب، زندگی شکل غالب جوامع انسانی به صورت شکار و گردآوری بوده است. مهمترین ویژگی این جوامع شکار و گردآوری، تعداد اندک افراد تشکیل دهنده آنهاست که از راه شکار، ماهیگیری و گردآوری گیاهان برای زندگی می کرده‌اند. تعداد اندک اعضا امکان تحریر و کنترل روابط متقابل به ویژه خشونت را بر می گردانست. می توان این تعداد اندک را به مثابه بهینه تکاملی در نظر گرفت که علاوه بر کارایی (گردآوری و تغذیه) و تخصیصی درون گروه‌های کوچک، بروز خشونت و فروپاشی گروه را به حداقل می رساند. شکار در ها به عنوان گونه‌ای از سرده انسان که در اروپا و قسمتهایی از غرب آسیا، آسیای مرکزی و سامان (آسیای) سکونت داشتند از ۳۵۰ هزار تا ۵۰ هزار سال پیش در زمین سکونت داشته‌اند. برخی از میان نئاندرتال و انسان امروزی مشترک است چون نئاندرتال‌ها و اجداد انسان مدرن در هنگام شروع به مهاجرت از آفریقا به نقاط دیگر جهان با یکدیگر آمیزش داشتند. نئاندرتال‌ها در قالب گروه‌های کمتر از ۱۰ نفر سامان داده و جابجا می شده‌اند. گروه‌های مختلف نئاندرتال از ابزار سنگی که به ابزار یا فرهنگ موستری موسوم است استفاده و میان خود مبادله می کرده‌اند. بدین ترتیب فناوری ساخت این ابزار در بین آنها انتقال می یافت. در جوامع نئاندرتال‌ها تخصص و قشرندی بسیار کمتری بین افراد و جنسیت‌ها وجود داشته است و در قالب سیستم کاملاً اجتماعی آنها اغلب مردان به شکار و زنان و جوانرها برای گردآوری اشتغال داشته‌اند.

نئاندرتال‌ها در اواخر دوران زیست خود، ابزارهای پیچیده‌تری ساختند. چنین ابزارهایی شامل شکار جانوران بزرگ جثه را به آنها می داده است. شواهد باستان‌شناسی نشان می دهد که در میان نئاندرتال‌ها درجه‌ای از اعمال خشونت وجود داشته است. بدین ترتیب سامان یابی در قالب گروه‌های کوچک به کنترل خشونت در این جوامع ابتدایی کمک کرده است. با این وجود شواهد متعددی از اعمال خشونت و نئاندرتال‌ها توسط انسان مدرن نیز وجود دارد که از برخی اعضای بدن آنها مانند دندان به عنوان دکور استفاده می کرده‌اند. انسان‌های امروزی از حدود ۸۰ هزار تا ۶۰ هزار سال پیش شروع به خارج شدن از

آفریقا کردند. خاورمیانه نخستین جایی بود که آنها با ناندرتال‌ها برخورد کردند. مردمان هنرمند ظریف و باهوش آفریقایی از آن پس با مردمانی زمخت و بی هنر و پرزور مواجه بودند. میان آن‌ها جنگ‌های خونینی رخ می‌داد. گرچه همزیستی چند ۱۰ هزار ساله آنها نشان می‌دهد که هر دو طرف به نوعی گروه مقابل را تحمل می‌کردند؛ شواهدی وجود دارد که قبایل انسان‌ها و ناندرتال‌ها به طور متناوب زمستان‌ها و تابستان‌ها جابه‌جا می‌شدند و در بسیاری از مناطق هم زمان زندگی نمی‌کردند. شواهد جدیدتری هم وجود دارد که نشان می‌دهد انسان‌ها، ناندرتال‌ها را شکار می‌کردند و می‌خوردند. آنها حتی در برخی جاها با هم آمیخته‌اند و حتی فردی دورگه میان هر دو گروه پیدا شده‌اند. احتمالاً هر دو گروه از طرف مقابل، زنان را می‌دزدیدند. اما نکته اساسی در ظهور جوامع شکار و گردآوری و تقابل میان ناندرتال‌ها و انسان مدرن به تشریح منابع و کاربرد خشونت در جوامع به عنوان روشی برای غلبه بر کميایی مربوط می‌شود. انسان امروزی یا هوموساپینس از حدود ۸۰ هزار تا ۶۰ هزار سال پیش شروع به خارج شدن از آفریقا کرد. آن‌ها تدریج و البته طبق شواهد باستان‌شناسانه با تکیه بر خشونت جای ناندرتال‌ها را گرفتند. آن‌ها لباس‌های گرم‌تری را با سوزن‌هایی از جنس استخوان می‌دوختند بنابراین لباس‌های بهتری داشتند که آن‌ها را در فصول سرد و نیازشان به غذا را کاهش می‌داد. این فناوری برتر، بخت بقای بچه‌های انسان را بیشتر می‌کرد. انسان‌ها پس از ناندرتال‌ها در جمع‌آوری گیاهان و دانه‌ها مهارت داشتند، مهارتی که به تبار آفریقایی آن‌ها و زندگی محصور و کمبود شکار باز می‌گشت. زنان و کودکان انسان به جای کمک در شکار حیوانات وحشی به جمع‌آوری دانه و دانه می‌پرداختند درحالی که ناندرتال‌ها با تمام قوا روی شکار تمرکز داشتند و کمتر به مواد غذایی گیاهی توجه می‌کردند. با این وجود کماکان تقسیم کار به صورت بدوی بوده و جامعه انسانی هنوز از ساختن مکانیکی به بیان دورکیم برخوردار بوده است. انسان مدرن پس از خروج از آفریقا در مناطقی از اروپا، آسیا و آمریکا اسکان یافت. با وجود تقسیم کار ابتدایی و نسبتاً غیرتخصصی، تحولی به وجود آمد که انسان را به تنهایی توضیح نمی‌دهد؛ انسان مدرن به مانند ناندرتال‌ها در گروه‌های نسبتاً کوچک‌تری زیست می‌کرد اما در طی چندین هزاره توانست انقلاب کشاورزی را محقق سازد. اگر اقلیم جغرافیایی را به عنوان یک عامل در تقسیم کنیم در اقلیم نوع اول، آب عامل کمیاب تولید است و در اقلیم دوم زمین‌های حاصلخیز سازه ذهنی کنشگران در برادر سرمایه‌گذاری، پراکنش آنها در قالب گروه‌های کوچک ساکن در مناطق دارای انشعاب آبی یا برخورددار از پتانسیل احداث انشعابی از جریان موجود را توجیه می‌دهد چون از یک طرف در شرایط نیمه خشک، زمین حاصلخیز بسیار اندک است و جمعیت را می‌پراکند و از طرف دیگر زمانی که آب عامل کمیاب باشد، تراکم بالای جمعیت مشاع بودن منابع به افت شدید بهره‌وری می‌انجامد. ولو این که پتانسیل ناامنی جغرافیایی شدید از ناحیه پراکنندگی جمعیت و همسایگی با اقوام ستیزه‌جوی و

شرایط نیمه خشک و زندگی پراکنده از مشخصات تاریخی مبادا به شمار روند؛ ساختار حکمرانی و نهادی وجود داشته که دستیابی به وضعیت همکاری و در نتیجه عملکرد اقتصادی خوب را میسر کرده است. در واقع انطباق بسیار بالای نهادها و ساختار کنش و ویژگی جغرافیایی، حکمرانی یا نهادهای رسمی و نهادهای غیررسمی در راس بردارها و عدم ناسازگاری از نظر جهت بردار برآیند، عملکرد اقتصادی مثبت را موجب شده است.

در دهه نود، چنان پیشنهادی هنوز بسیاری از کشورهای جهان توسعه نیافته اند. علاوه بر این بیش از نیم قرن از پس آن گذشته برای نیل به توسعه می گذرد. در طی این نیم قرن تجربه های متفاوتی از توسعه مشاهده شده است. با وجود گذشت بیش از نیم قرن برنامه ریزی توسعه، بسیاری از کشورها هنوز به سطح مطلوب از توسعه نرسیده اند. و تعداد بسیار اندکی نیز به یکباره شکوفا شده اند. تعداد انگشت شماری از کشورها نیز بدون برنامه ریزی و قبل از آغاز تلاش های فراگیر جهانی برای مفهوم سازی توسعه به درجه بالایی از توسعه دست یافته اند. طرف دیگر ارزیابی های متفاوتی از تجربه توسعه نیز ارایه شده است. در یک طرف اندیشمندانی چون سیرامو، برار دارند که به ویژه در پی بروز معضلات اقتصادی و اجتماعی برنامه های تعدیل ساختار و تجدید صندوق بین المللی پول و بانک جهانی به انتقاد شدید از توسعه پرداخته اند.^۱ در طرف دیگر سیرینی، ماسه جوزف استیگلیتز قرار گرفته اند که به رغم وارد دانستن همین انتقادات، رویکرد کلی توسعه را «نکته ده اند»^۲ در این میان رویکرد دیگری به نام نهادگرایی وجود دارد که نگاه به مساله توسعه و تحلیل تجربه آن را منحصر به سپهر اقتصادی نکرده و نگاهی کل گرا به روند توسعه دارد. از دید نهادگرایان دو عامل عمده در تجربه توسعه کشورهای جهان وجود دارد؛ اول، چرا اقتصادهای ضعیف در طی زمان دوم آورده اند؟ دوم چرا با وجود تاکید نظریه تجارت بین الملل آدام اسمیت و دیوید ریکاردو بر مبنای برابری ثروت و رفاه دو کشور در نتیجه مبادله آزاد مبتنی بر مزیت مطلق و نسبی، اختلاف شدید سطح رفاهی کشورها و با وجود دوره های طولانی تجارت آزاد کاهش نیافته است؟^۳ بنابراین دغدغه اصلی نهادگرایان این است که چرا با وجود تفاوت عملکرد بلندمدت اقتصادی بین کشورها به طور اساسی با تحولات نهادی و ساختار نهادی بین کشورها توضیح داده می شود. در واقع نهادگرایان تلاش می کنند تا ساختاری را بر مبنای عملکرد اقتصادی تأثیر می گذارد شناسایی نموده و تغییرات تبیین کنند. نهادگرایان بر این اعتقادند که این ساختار غیراقتصادی است. از دید نهادگرایان عملکرد اقتصادی تحت تأثیر متغیرهای غیر اقتصادی است. متغیر

1 - Amin, Samir (1990) Maldevelopment: Anatomy of a global failure, United Nations University.

2 - Stiglitz, Jozeph (2002) the roaring nineties, Penguin Press.

۳- نک. نورث، داگلاس (۱۳۷۷) نهادها، تغییرات نهادی و عملکرد اقتصادی، ترجمه محمدرضا معینی، مرکز مدارک علمی سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور.

بحث نهادگرایی مفهوم نهاد است. نهادها از طریق هزینه‌های مبادلاتی بر عملکرد اقتصادی تاثیر می‌گذارند، گذشته را به حال پیوند داده و فراخور زمان هستند. به دلیل اینکه افراد به رمزگشایی محیط می‌پردازند و با سازه‌های ذهنی خود کار می‌کنند. سازه‌های ذهنی بر انتخاب تاثیر می‌گذارد و خود سازه ذهنی تحت تاثیر شرایط نهادی شکل می‌گیرد.

به باور نهادگرایان نهادها شکل می‌گیرند تا از عدم اطمینان حاکم بر محیط بکاهند. بشر نیازمند چیزی است که عدم اطمینان و هزینه مبادله را کاهش دهد. نهادها تنظیم‌کننده رفتار هستند. افراد در کنش‌های خود نهادها را لحاظ می‌کنند و به این ترتیب نااطمینانی در انتخاب اقدامات در کنش کاهش می‌یابد. هزینه مبادله زیرساخت نهاد است و خود نهاد از طریق هزینه مبادله بر اقتصاد اثر می‌گذارد. نهادها قانون بازی هستند. قانون هزینه دارد. تاسیس نهاد هزینه بر است، اما به مرور که نهاد و کاربرد آن بسط پیدا می‌کند، هزینه به تدریج به نفع تبدیل می‌شود. نهادها صرفه‌های ناشی از مقیاس کاهش می‌یابد. اگر نهاد قانون بازی باشد، موارد نقض قانون از اجزای نهاد ناپدید می‌شود. وضع خود نهاد تابع هزینه-فایده است. اگر هزینه تنظیم قانون از منافع وضع آن بیشتر باشد، نهاد وضع نخواهد شد. مجموعه شناخت اطلاعات، تنظیم قرارداد، فرصت طلبی پس از عقد قرارداد، و موارد دیگر، تعیین خسارت، شناسایی متخلف و مجازات وی نهادها را به هزینه مبادله ارتباط می‌دهند. این نهادها به گونه‌ای که هزینه‌های مبادله در جریان پویای روابط تولیدی و سازند اجتماعی به صورت مناسب کنش را به نیاز به ساختار کارآمد حقوق مالکیت است. ساختار کارآمد حقوق مالکیت در بستر دسترسی به همه افراد به حقوق مالکیت شکل می‌گیرد. گشایش دسترسی، امری فرایندی، تدریجی و چند مرحله‌ای است. طبق رویکرد نهادی، تجربه توسعه کشورهای مختلف عمدتاً به واسطه ساختارهای متنوع نهادی و حقوق مالکیت آنها تفاوت می‌یابد و نسبت بین جمعیت و منابع، کلید ورود به عرصه مقایسه روند توسعه و پیشرفت آنها و به تبع آن علم و فناوری است. زیرا ساختارهای نهادی و حقوق مالکیت گوناگون، ساختارهای انگیزشی متفاوتی را برای بهره‌مندی از مایه‌گذاری و جهت‌گیری برای فعالیت‌های فاعلان به وجود می‌آورد.

چون مختصات اجتماعی کشورها به اعتبار تفاوت ابعاد جغرافیا، رسته‌های مختلف «جمعیت» و «منابع» و نوع تنش بین جمعیت و منابع، ابعاد فرهنگی به معنای تکنولوژی، ابعاد اقتصادی به معنای سازمان مبادله منابع و ابعاد سیاسی به معنای سیستم مبادله قدرت برای توزیع منابع روی منابع متفاوت می‌باشد، مقایسه جوامع با یکدیگر بدون پایداری به یک الگوی فراتر از زمان و مکان نیست. امروزه مدل‌های تحلیلی مبتنی بر نظریه نهادگرایی از غنای نظری و تجربی خوبی برخوردارند و امکان احتساب مشخصه‌های جوامع به مثابه یک سیستم پویا در آن به همراه خصوصیات کنشگران وجود دارد. از این روی در این تحقیق تلاش می‌شود تا تجربه توسعه شش گروه کشورهای توسعه یافته صنعتی، تازه صنعتی شده

شرق آسیا، در حال توسعه غرب آسیا، در حال توسعه امریکای لاتین، در حال گذار اروپای شرقی و رو به توسعه افریقا با تاکید بر روند علم و فناوری در آنها و از منظر چارچوب تحلیلی نهادی ارزیابی و مقایسه شود.

در گروه اول کشورهای امریکا، آلمان، ژاپن و انگلستان مد نظر بودند. امریکا و انگلستان از قرون پیش روند توسعه را تجربه کرده‌اند و توسعه آنها مبتنی بر اصلاح فضای طراحی نهادی بوده است. آلمان و ژاپن در کشور هستند که در جنگ جهانی دوم خسارت فراوانی متحمل شدند اما خود را به سرعت باز یافتند. در گروه دوم، کشورهای شرق آسیا، کره جنوبی، چین، مالزی و تایوان بررسی شده‌اند. کره، مالزی و تایوان در سه جزیره‌ای هستند که ساختار توزیع منابع آنها شبیه ژاپن است. مالزی در طراحی نهادی به توسعه فرهنگ (مستقل بودن) داشت و کره و تایوان مدل بازار توسعه گرا را به خوبی پیاده کردند. چین نیز از اقتصاد کمونیستی دست برداشته و به اقتصاد بازار سوسیالیستی گروید و رشد خوبی را ثبت نمود. پس از مرگ مانو و از سال ۱۹۷۵ برنام‌های اصلاحات اقتصادی معطوف به اقتصاد بازار در اولویت سیاست‌های اقتصادی قرار گرفت. در گروه سوم، کشورهای غرب آسیا نیز عربستان، کویت، قطر و امارات متحده عربی مورد توجه قرار گرفتند. چهار کشور صادرکننده نفت خام و دارای الگوی بازتوزیعی هستند. به این ترتیب دولت در این کشورها نقش عمده‌ای دارد. در گروه چهارم، امریکای لاتین، آرژانتین، برزیل، پرو و شیلی انتخاب شدند. این کشورها نوبت تاریخی خود را در نظام اقتصادی-سیاسی و نیز الگوی توسعه تجربه کردند و روند توسعه تقریباً یکسانی داشتند. از نظر توسعه منابع برزیل و آرژانتین تقریباً مشابه و از نظر حکومت، شیلی و پرو ساختاری نظامی را تحسین کردند. در گروه پنجم، کشورهای اروپای شرقی، روسیه، چک، مجارستان و لهستان قرار گرفته‌اند. روسیه به‌جایمانده از شوروی یعنی پیشرو بلوک شرق کمونیستی است. چک، مجارستان و لهستان نیز دوره گذار را سریعتر از دیگر کشورهای مشابه گذارانیده‌اند. در گروه ششم، کشورهای مصر، الجزیره، لیبی و تونس قرار گرفته‌اند. در حال حاضر هر چهار کشور به استثنای الجزیره، دوره گذار ساختار حکمرانی را طی می‌کنند و در بسته تاریخی خود مستعمره کشورهای فرانسه و ایتالیا بوده‌اند.

دغدغه اصلی نهادگرایان به این مطلب بازمی‌گردد که تفاوت عملکرد بلندمدت اقتصاد بین کشورها به طور اساسی با تحولات نهادی یا تفاوت ساختار نهادی بین کشورها توضیح داده می‌شود. نهادگرایان این اعتقادند که این ساختار غیراقتصادی است. از دید نهادگرایان عملکرد اقتصادی تحت تاثیر غیراقتصادی غیر اقتصادی است. نهادها از طریق هزینه‌های مبادلاتی بر عملکرد اقتصادی تاثیر می‌گذارند، گذشته از این حال پیوند داده و فراخور زمان هستند. چون مختصات اجتماعی کشورها به اعتبار تفاوت ابعاد جغرافیایی، یعنی مختصات نسبت «جمعیت» و «منابع» و نوع تنش بین جمعیت و منابع، ابعاد فرهنگی به معنای

تكنولوژى زندگى اجتماعى، ابعاد اقتصادى به معناى سازمان مبادله منابع و ابعاد سياسى به معناى سيستم مبادله قدرت براى حق كنترل روى منابع متفاوت مى‌باشد، مقايسه جوامع با يكديگر بدون پايبندي به يك الگوى فراتر از واحد مىسر نيست. امروزه مدل‌هاى تحليلى مبتنى بر نظريه نهادگرابى از غناى نظرى و تجربى خوبي برخوردارند و امكان احتساب مشخصه‌هاى جوامع به مثابه يك سيستم پويا در آن به همراه خصوصيات كنشگران وجود دارد.

سازماندهى كتاب حاضر در قالب ۶ فصل صورت گرفته است. فصل اول رويكرد كللى نهادگرابى و مباني تخصيص منابع از منظر آن را معرفى مى‌كند. فصل دوم به معرفى مباني نهادگرابى و توسعه اختصاص دارد. در فصل سوم مدل تلفيقي SFM-MSD پويا معرفى مى‌شود و فصل چهارم به تحليل تجربه كشور منتخب شش گروه منتخب تحقيق مى‌پردازد. فصل پنجم به تحليل مشخصه ساختار نهادى نهاد ايران و مباني مدل تلفيقي اختصاص يافته و در فصل ششم طراحي مكانيزم مقدماتى توسعه دانش بنيان به ارائه رايه مى‌پردازد.

رضا مجيدزاده و بهاره گنجى

مدير و ديركار گروه فراپابازى توسعه ايران

موسسه اندیشه و پژوهش طرح هزاره پاسارگاد

پاييز ۱۳۹۲